

فرهنگ‌های دوزبانه^۱

قرآنی

سید علی ملکوتی

قرآن «سنگ بنای معاجم بزرگ و مفصل گشت» که در ابتدا به صورت رساله‌های کوچک در مقوله‌های اسم، فعل و مصدر تدوین شده بود. این شور و شیفتگی به مفاهیم قرآن، سبب تدوین لغت‌نامه‌هایی متعدد به زبان عربی و فرهنگ‌های دوزبانه در زبان دوم عالم اسلام، یعنی زبان فارسی گشت که به اختصار به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

فرهنگ‌های دوزبانه و نحوه تدوین آنها

فارسی‌زبانان ظاهراً کار ترجمه و تفسیر قرآن مجید را از زمان تشرّف به دین اسلام شروع کردند؛ اما بنا بر آنچه به گونه مکتوب به دست رسیده، بیشتر از اواسط قرن چهارم به بعد سعی کردند در برابر واژه‌های قرآن معادل فارسی بگذارند. به این ترتیب ترجمه مفردات قرآن موجب تدوین فرهنگ‌های دوزبانه شد. این فرهنگ‌ها در دریافت معانی قرآن به فارسی‌زبانان کمک شایانی کرد؛ چه ایرانیان مسلمان، مشتاق آن بودند که زبان قرآن را بخوبی دریابند و محتاج آن که دستورهای آن را به کار گیرند. علاوه بر آن «بسیاری از واژه‌های فارسی که بیم فراموشی آنها می‌رفت، حفظ شد.»^۲ تلاش لغویان برای معادل‌یابی در برابر هر واژه قرآنی، سبب گسترش زبان و ادب فارسی و مصون ماندن آن از دستبرد فراموشی شد.

افزودنی است که رونق این معادل‌یابی در زبان فارسی و تدوین فرهنگ‌های دوزبانه قرآنی با توجه به اسناد و مدارک موجود بیشتر از قرن پنجم تا هفتم است؛ ولی قرون بعد تا عصر حاضر از این زمینه خالی نبوده و این کار پیوسته رواج داشته است. تدوین فرهنگ‌های دوزبانه بیشتر به یکی از روش‌های زیر

انس و الفتی که مسلمانان از صدر اسلام با قرآن مجید یافتند، هر چند در معانی آن بیشتر غور کردند، اعجاب و تحسین آنان افزون‌تر شد؛ زیرا از جهت فصاحت و بلاغت و از نظر مفاهیم عالی چیزی در آن یافتند که ادبیات عرب دوره جاهلی با آن شاعران فحل و اشعار نغز، در برابر آن وزنی نداشت. عظمت و کرامت قرآن و ابعاد متعالی آن، چنان شیفته‌شان کرد که دانایان علوم بلاغی و بیان و مفسران با همه گستردگی و تنوع کارشان از سویی، و عالمان نحو و صرف و لغویان از سویی دیگر، همه به قرآن چشم دوختند تا از این منبع سرشار فیض و رحمت بهره‌بر گرفتند.

شوق آنان به فراگیری و گوناگونی مفاهیم قرآن با همه وسعت و تعمق، علوم قرآنی را ایجاد کرد، در نتیجه فقه اللغه و معانی و بیان زبان عرب را به پا داشت و غنا و قدرت ادبیات را سبب شد.

علوم قرآنی گنجینه‌ای از معارف بشری شد و حوزه‌های علوم دینی و ادبی را بی‌افکند و از تجلی خود نور بخشید و رواجشان داد، محور تمام علوم گشت که با عنوان علوم قرآنی، دینی، ادبی و فلکی پایه‌های معارف اسلامی را ریخت و پابرجا کرد. هنگامی که مسلمانان به قرآن چشم باز کردند، صلاح دنیا و دین خود را در آن یافتند و «کلام وحی» زندگی مادی و معنوی آنان را فراگرفت و به نفوذ و رسوخ معنوی آن تسلیم شدند تا آفاق‌هایی از نیکی و پاکی با همه بسط و بی‌کراتگی به رویشان باز شد.

لغویان کنجکاو چون عالمان مشتاق دیگر از سر ذوق و دلدادگی به واژه واژه قرآن نظر داشتند و توجه به مفاهیم الفاظ

۱. آنچه در این صفحات می‌آید بخشی از پیشگفتاری است که سال‌ها پیش برای متن مصحح «المحیط بلغات القرآن» از مؤلفات ارزشمند ابوجعفر احمد بن علی بن محمد بیهقی معروف به بوجعفر مقری صاحب فرهنگ گرانسنگ و دوزبانه «تاج المصادر» تهیه کردم که هنوز بعد از سالیان انتظار، فرصت چاپ و انتشار نیافته است.

۲. دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۱۷.

انجام گرفته است:

الف. به ترتیب انواع کلمات: اسم، فعل، مصدر: ترجمان القرآن زوزنی.

ب. به ترتیب سوره های قرآن از سوره «حمد» و «بقره» تا «ناس»: المستخلص، از حافظ الدین محمد بن محمد بخاری...

ج. عکس ترتیب سوره های قرآن از سوره «ناس» تا «بقره»: تراجم الاعاجم، از زین المشایخ محمد بن ابوالقاسم خوارزمی.

د. به ترتیب حروف الفبا: جوامع البیان، وجوه القرآن.^۳ شرح شماری از فرهنگ های دوزبانه قرآنی در سطرهای بعد می آید و ویژگی های آنها به اجمال بیان می شود.

تفسیر میدی الغضب والسخط. (ج ۴، ص ۳۴۱)

فَتَتُوا الْمُؤْمِنِينَ: بسوختند مؤمنان را، ص ۳۵. در تفسیر کمربیع، آن کس ها که مؤمنان را از مردان و زنان عذاب کردند و بسوختند، ج ۲، ص ۵۷۶ و میدی، ج ۱۰، ص (۴۴۳)

سَطَطَ فِي أَيْدِيهِمْ: پشیمان شدند، ص ۴۹. و نیز تفسیر میدی، ج ۳، ص ۷۳۶...^۷

این کتاب به ترتیب سوره های قرآن مجید، لغات و ترکیبات

سوره «بقره» تا «نبا» را معنی کرده است و از سوره «نازعات» به بعد افتادگی دارد.^۸

۳. ترجمان قرآن زوزنی

از ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی، مؤلف کتاب «المصادر» (وفات ۴۸۶ق). نسخه ای از این کتاب در دانشگاه استانبول می باشد که در سال ۶۷۶ نوشته شده و به زوزنی منسوب است. بروکلیمان نخستین کسی است که این کتاب را جزو آثار زوزنی یاد کرده است.^۹ وی گوید: نسخه ای از آن در کتابخانه «گوته» به شماره ۴۰۱ موجود است و جرجی زیدان نام کتاب را «ترجمان القرآن بالعربية والفارسية» یاد کرده است.^{۱۰}

۴. الدرر فی الترجمان

مؤلف شیخ الاسلام، شمس العارفین محمد بن منصور المتحمّد المروزی.^{۱۱} طریقه تدوین واژه ها عکس سوره های قرآن کریم است و از سوره «فاتحه» و «ناس» شروع می شود و به سوره «بقره» ختم می گردد. مشابهت فراوانی با فرهنگ های «لسان التنزیل» و «تفسیر مفردات قرآن» دارد. از این کتاب جز نسخه ای که به کوشش آقای محمد سرور مولایی به چاپ رسیده، نسخه دیگری تاکنون شناخته نشده است. تاریخ کتابت

۱. لسان التنزیل

از مؤلفات مهم قرن پنجم هجری که نویسنده آن ناشناس است در این اثر، «لغات مفرد و مرکب قرآن به فارسی روان ترجمه شده و نیز بیان اشتقاق کلمات و اشاره به مفرد و جمع بودن آنها و همچنین تنبیه بر برخی از مباحث صرفی و نحوی و بیانی نیز شده است.»^۲

نویسنده فرهنگنامه های عربی به فارسی این کتاب را خلاصه کتاب «المستخلص» می داند که به جای دیباچه آن، مقدمه کتاب «تراجم الاعاجم» را در آغاز دارد و به جای نام «تراجم الاعاجم» نام لسان التنزیل در دیباچه آمده است.^۵ مصحح این فرهنگ معتقد است که اولاً این نسخه بنا به قراین از متون قرن چهارم یا پنجم است؛ ثانیاً احتمال این که «لسان التنزیل» پس از «تراجم الاعاجم» نوشته شده باشد، بسیار بعید است؛ زیرا مؤلف «تراجم الاعاجم» بسیاری از لغات و ترکیبات و تعبیّرات «لسان التنزیل» را که صبغه قدمت داشته و در قرن ششم نامانوس بوده در کتاب خود نیآورده است.^۶

۲. تفسیر مفردات قرآن

نام مؤلف کتاب و کاتب نامشخص است. نسخه کهن و پر ارزش متعلق به آستان قدس رضوی، به شماره ۱۴۵۸، به علت ویژگی های رسم الخطی و نحوه تحریر، گویای آنست که ظاهراً در قرن پنجم یا ششم تألیف یافته است. در مقدمه آمده است: «به واسطه کهنگی و سقط و فرسودگی هیچ اثری از نام مؤلف و کتاب باقی نمانده... در ضمن مطالعه دریافتیم که مؤلف این نسخه در عین ایجاز و اختصار معانی، کوشیده است نظریه ای برگزیند که جمهور مفسران بر آن عقیده اند و آن را بر دیگر معانی ترجیح داده است:

وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ: و کند لعنت و عقوبت، ص ۳۷. در

۳. علی نقی منزوی، فرهنگنامه های عربی به فارسی، دانشگاه تهران، ص ۱۷.

۴. لسان التنزیل، به کوشش دکتر مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۲، ۱۳۵۵، ص ۱۴ به بعد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۵. فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۱۵۳.

۶. مقدمه لسان التنزیل، ص ۱۵ و ۱۶.

۷. تفسیر مفردات قرآن، به کوشش دکتر عزیزالله جوینی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹، ص دوازده.

۸. از میان سوره هایی که لغات آن معنی نشده نیز بعضی سوره ها مثل «احقاف»، «جاثیه»، «ممتحنه»... به علت کهنگی و فرسودگی نسخه افتادگی دارد.

۹. فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۱۷-۱۸.

۱۰. تاریخ آداب اللغة العربية، ۳: ۴۴، به نقل از فرهنگنامه ها، ص ۱۷.

۱۱. الدرر فی الترجمان، به کوشش محمد سرور مولایی، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۱.

آن در سال ۹۷۸ق است. ۱۲ اما متن آن از جهت ویژگی زبان و واژگان و ترکیبات کهن تر از زمان تاریخ تحریر است و در انتساب آن به قرن های پنجم و ششم کمتر می توان شک کرد. ۱۳

۵. تراجم الاعاجم

تألیف زین المشایخ محمد بن ابوالقاسم بقالی خوارزمی^{۱۴} (وفات ۵۶۲ق) چلبی در کشف الظنون این نسخه را به مؤلف نامبرده نسبت داده است و گوید: کتاب به ترتیب سوره های قرآن است ولیکن نسخه های این فرهنگ که در کتابخانه ملک (ش ۵۷۱) و ایاصوفیه (ش ۴۶۶۵) موجود است به عکس ترتیب سوره های قرآن می باشد و در هیچ یک نام مؤلف در دیباچه نیامده است. ۱۵

۶. جوامع البیان در ترجمان قرآن

تألیف ابوالفضل حبیب بن ابراهیم محمد تفلیسی از علمای بزرگ قرن ششم. در دیباچه کتاب گوید: «چون ترجمان القرآن ابو جعفر بن محمد بن خلیل زوزانی و غریب القرآن عزیزی و مشکل القرآن ابن قتیبه و ترجمان القرآن علی بن حسین خازنی قانی را دیدم، و در هر یک نقصی یافتم، خواستم کتابی سازم که همه مطالب آنها را دربرگیرد و آن را به ترتیب حروف هجا مرتب کردم. ۱۶»

۷. وجوه قرآن

یکی دیگر از تألیفات مهم ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد تفلیسی است. مؤلف کتاب وجوه متعدد معانی کلمات چند وجهی را با ذکر شاهد مثال نشان می دهد. «حبیب که در عربی و فارسی چیرگی داشت در صدد برآمد که نقاب عربیت را از چهره یکی از کتبی که مربوط به وجوه معانی قرآن است بگشاید و فهم آن را بر فارسی زبان آسان کند. از این میان «وجوه القرآن» مقاتل بن سلیمان را برگزید، تنها به ترجمه آن اکتفا نکرد، بلکه با توجه به کتب تفاسیر و لغات قرآن که دیگران تألیف کرده اند، کامل ساخت و آن را به همان نام، وجوه قرآن نامید.»

«چاپ حاضر این فرهنگ برگرفته از نسخه ای است که هم اکنون در کتابخانه «عاطف افندی» ترکیه محفوظ است و فیلمی از آن توسط استاد مجتبی مینوی، برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تهیه شده بود. ۱۷»

۸. المستخلص (جواهر القرآن)^{۱۸}

نام مؤلف در کتاب دیده نمی شود. در پایان نسخه (ایاصوفیه ۴۶۶۴ مکرر) نوشته سال ۷۵۷ یک اجازه دیده می شود و در آن مجیب نام کتاب را «المستخلص» و نام نگارنده آن را حافظ الدین محمد بن محمد بن نصر البخاری آورده است.

«... مجیب می گوید: کتاب را در ذی قعدة سال ۷۱۱ق بر مؤلف آن خوانده ام. بنابراین نگارنده کتاب از دانشمندان پایان سده هفتم و آغاز هشتم بوده است. ۱۹»

۹. کنز اللغات

مؤلف این فرهنگ دوزبانه معتبر و معروف محمد بن عبدالخالق از عالمان قرن نهم هجری است. «نویسنده واژه های قرآن و حدیث را به ترتیب حروف هجا در آخر ریشه، در بیست و هشت باب مرتب ساخته و هر باب را نیز به ترتیب حرف اول کلمه مرتب کرده است. تألیف کتاب حدود سال ۸۷۰ق است. ۲۰»

۱۰. ترجمان القرآن

تألیف علامه جرجانی، علی محمد بن علی الحسینی الجرجانی الحنفی معروف به میر سید شریف^{۲۱} (۷۴۰-۸۱۶ه.ق). این فرهنگ در ابتدا به ترتیب سوره های قرآن نظم داشته، ولی بعدها عادل بن علی بن عادل به ترتیب حروف تهجی، برای سهولت در مطالعه منظم می کند. ۲۲ «مبنای کار علامه جرجانی در تدوین این کتاب فرهنگ هایی چون مصادر اللغة زوزنی و تاج المصادر بیهقی و دستور الاخوان دهار است. بنابراین معانی برخی از لغات یا ضبط مصادر بعضی افعال منحصر به یکی از کتاب های مذکور است. ۲۳»

۱۱. قسطاس مستقیم

مؤلف محمد علی شاهقلی رازی، وی لغات قرآن را در سال (۱۰۸۲ق) جمع آوری و کتابی به نام «قسطاس مستقیم و مفتاح قرآن کریم» تنظیم کرد. ۲۴ ترتیب تدوین کتاب بدینگونه است که

۱۲. همان جا ص ۷۰ و یازده دیده شود.
۱۳. اللوری (ترجمان، ص بیست و یک).
۱۴. تراجم الاعاجم، به کوشش محمود مدبری و مسعود قاسمی، مؤسسه روزنامه اطلاعات.
۱۵. فرهنگنامه ها، ص ۶۱-۶۴.
۱۶. فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۷۶-۷۹. نیز مقدمه تاج المصادر، ص چهل.
۱۷. وجوه قرآن، به کوشش دکتر مهدی محقق، بنیاد قرآن، ج ۴، ۱۳۶۰، ص چهار.
۱۸. المستخلص (جواهر القرآن) به تصحیح مهدی درخشان، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
۱۹. فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۱۵۲.
۲۰. همان، ص ۱۶۸-۱۶۹.
۲۱. ترجمان القرآن، به کوشش دکتر سید محمد دبیر سیاقی، بنیاد قرآن، ج ۲، ۱۳۶۰.
۲۲. ترجمان القرآن علامه جرجانی، ص الف.
۲۳. همان، ص هـ.
۲۴. فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۲۲۵.

تنظیم فصل‌ها بدین گونه است که مؤلف ابتدا در برابر واژه قرآنی معادل فارسی آن را می‌گذارد؛ سپس جمع یا جمع‌های آن واژه می‌آید، آن‌گاه ویژگی صرفی و بلاغی ... واژه را تا آنجا که بسنده باشد، ذکر می‌کند. همه توضیحات به زبان عربی است و جا به جا به آیه‌های قرآنی استناد می‌کند و برای تأیید نظر خود اقران مفسران، راویان، نحویان و لغویان و گاه شاعران را شاهد می‌آورد. یکی از ویژگی‌های بارز نسخه‌المحیط، آن است که در برابر کلمه مفرد، جمع یا جمع‌های آن آمده است و بیننده در یک نگاه کلمه مفرد و جمع (جمع‌های) چندگانه را در مقابل چشم دارد. توجه به انواع جمع کلمه با چنین بسط و تأکیدی ویژگی متمایزی است که در این فرهنگ دوزبانه قرآنی دیده می‌شود.^{۲۰}

فرهنگ «المحیط» از جهات مختلف علوم قرآنی - اعم از لغت و ریشه‌شناسی، صرف و نحو، فنون بلاغت و بیان - و در مواردی طرح مسائل فقهی و کلامی و اطلاعات مفید دیگر، با ارزش بوده، جایگاه خاصی دارد.

بنابر آنچه در بالا آمد این کتاب دارای دو امتیاز ویژه است: یکی از جهت شمول به علوم قرآنی و عربی که به آن اشاره شد و رجوع به آن بهترین گواه است. دیگر از جهت حفظ شماری از واژه‌های فارسی که برابر کلمه‌های قرآنی آمده است و واژه‌ها و ترکیب‌هایی که گویا و رسا و وافی به مقصود است که اگر همت کسانی چون این لغوی نامبردار قرن ششم نمی‌بود، چه بسا که شماری از آنها به دست ما نمی‌رسید.



نویسنده آن را بر بیست و هشت باب و هر باب بر بیست و هشت فصل مرتب کرده است و کلید رهیابی به کتاب را در هر «باب» حرف آخر کلمه و در هر «فصل» حرف اول در نظر گرفته است.^{۲۵}

۱۲. فرهنگ منظوم قرآنی

شاعر این فرهنگ منظوم قرآنی ناشناس مانده و آغاز و انجام این منظومه افتادگی دارد. مؤلف قرآن را به ترتیب سوره‌ها از «حمد» و «بقره» تا «ناس» در بندهای گوناگون به نظم آورده است. گویا شاعر «ترجمان القرآن» جرجانی یا «المستخلص» یا «لسان‌التزیل» را کوتاه و به نظم کرده است.^{۲۶}

کار تدوین فرهنگ دوزبانه قرآن - همان طور که در ابتدای این مقاله عنوان شد - منحصر به قرن چهارم، پنجم تا دهم نیست؛ بلکه در تمام دوره‌ها توجه به معانی و مفاهیم قرآن مد نظر دانشمندان بوده است. از جمله سیر تدوین فرهنگنامه‌های متعدد قرآنی از گنجینه پرارزش و نفیس نسخ خطی قرآن کریم در کتابخانه آستان قدس رضوی در این چند دهه اخیر به دست دانشوران ادامه داشته است که شرح اجمالی آن فرهنگنامه‌ها و گردآورندگانشان در پیشگفتار فرهنگ «المحیط بلغات القرآن»^{۲۷} آمده بازگو کردن همه آنچه در آنجا نقل شده است در این مقال نمی‌گنجد که خود بخشی از یک کتاب است؛ اما معرفی کوتاه فرهنگ‌المحیط پایان بخش این بحث است و حسن مقطعی برای شناخت بیشتر این نسخه ارزشمند قرن ششم.

۱۳. المحيط بلغات القرآن

مؤلف ابو جعفر احمد بن علی بن محمد بیهقی معروف به ابو جعفر مرقی، دانشمند و لغوی بزرگ قرن ششم صاحب فرهنگ معتبر و دوزبانه تاج المصادر. وی در زمینه علوم منقول: تفسیر، لغت و دیگر شعب دانش‌های دینی و ادبی صاحب نظر بوده و اطلاع فراوان داشته است و شاگردان نامبرداری چون ابوالحسن علی زید بیهقی معروف به ابن فندق (متوفی ۵۶۵ق) در مدرسه او حاضر می‌شدند و از جامعیت او در علوم دینی و ادبی بهره‌مند می‌گشتند.^{۲۸}

فرهنگ «المحیط بلغات القرآن» همان طور که از نامش مستفاد می‌شود، کتابی است در علم لغت و اسما و صفات قرآن کریم در هفتاد و پنج صفحه و هر صفحه ۱۸ سطر است و در یک باب و هفت فصل تنظیم یافته است. کتاب از جهت کمیّت محدود ولی از حیث محتوا و کیفیت با ارزش است.

آغاز: الحمد لله العزيز الغفار الواحد القهار مخترع الفلك الدیار والکواکب السیار العلی عن یدرک بالأبصار. (انجام افتاده) «الموتان»: آنکه جان دارد، الموتان: مرگ چهارپای ... «نسخ»، عنوان و فصول، شنگرف و لغت‌ها سبز در حاشیه تصحیح شده است، جلد مقوایی، عطف تیماج قرمز ۳۸ برگ، ۱۸ س، ۲۰×۳۰ سم. ۲۹

۲۵. همان، ص ۲۲.

۲۶. همان، ص ۲۵.

۲۷. برای شرح و بسط مستوفی درباره این فرهنگنامه‌های گرانمند قرآنی ر. ک: دیباچه جلد پنجم آن (واژه باب فارسی) به قلم دکتر محمدجعفر یاحقی.

۲۸. دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲ و ۹۹۳-۹۹۶.

۲۹. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۶، ص ۲۰۳ شماره ۲۲۱۳.

۳۰. در سال ۱۳۷۵ ضمن آماده سازی فرهنگ «المحیط» برای چاپ، ملاحظه گردید که دفتر سوم «میراث اسلامی ایران» به کوشش رسول جعفریان از سلسله انتشارات کتابخانه حضرت آیه الله نجفی مرعشی (ره) درآمد. متن «المحیط» نیز تنها با فهرست لغات عربی به گونه ناتمام در آن دفتر به چاپ رسید. ضمن تمجید از این خدمت فرهنگی، باید گفت: هدف از انتشار این مجموعه با عنوان دفتر چاپ رساله‌هایی است موجز و مختصر که عموماً مستقلاً به طبع نمی‌رسد و حال آنکه «المحیط بلغات القرآن» رساله‌ای مختصر نیست، بلکه کتابی کمیاب، منحصر و پر محتواست که با تحقیقات جنبی و یادداشت‌ها و فهرست‌های فارسی و عربی و اعلام و فهرست آیات به قطع و حجم کتاب‌های معمولی می‌رسد که باید مستقل انتشار یابد تا ارزش حقیقی آن نمایان شود، نه در مجموعه‌ای که کشکولی است از رساله‌های کوتاه علمی و ادبی ... با موضوع‌های متفاوت که چندان ارتباطی با مطالب «المحیط» ندارد.

